

نگاهی به تاریخچه و تطول اچمیادزین و کارکرد آن در دوره حکومت قاجار براساس منابع تاریخی

دکتر محمد رضا علم (نویسنده مسئول)

استاد گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

alam@scu.ac.ir

دکتر آرسن آواکیان

استاد گروه تاریخ دانشگاه دولتی ایروان، ارمنستان

عباس اقبال مهران

دانشجوی دکتری گروه تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران

چکیده

اچمیادزین به عنوان یک نهاد دینی در تاریخ ارمنستان، یگانه عامل پیوند دهنده مردم ارمنی، اتحاد و مانع از هم‌پاشیدگی و واسطه امور فی‌مابین دولت قاجار و ارمنه ساکن در قلمرو جغرافیایی ایران گردید. به دلیل اعتمادی که از سوی ارمنه و دولت قاجار به اچمیادزین وجود داشت؛ این نهاد دینی مسیحی در طول دوره زمامداری شاهان قاجار در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارمنه و آزادی مذهبی آن‌ها نقش مهم و کلیدی را بر عهده داشت. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی به بررسی تاریخچه و تطول اچمیادزین در منابع تاریخی بپردازد. لذا در پی پاسخگویی به این سوال‌ها می‌باشد: ۱- اچمیادزین چه جایگاه و کارکردی در میان مردم و حکومت‌ها داشته است؟ ۲- دولت‌ها در مسیر تغییر و تحول عنوان اچمیادزین چه نقشی داشته‌اند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اچمیادزین به دلیل داشتن اعتماد و جایگاه بالا از سوی ارمنه و دولت قاجار عامل اتحاد و عدم اضمحلال مردم ارمنی در طول تاریخ بوده است. عوامل متعددی باعث تحول در اطلاق عناوین مختلف به اچمیادزین بوده است. حکومت‌ها در تحول عنوان اچمیادزین نقش مهمی داشته‌اند.

کلیدواژه‌ها: تاریخچه، تطول، اچمیادزین، منابع تاریخی، قاجار

روابط دیرینه ارامنه و ایرانیان از آغاز قرن هفدهم وارد مرحله جدیدی شد. پس از مهاجرت اجباری ارامنه از سرزمین مادری خود به ایران که به دستور شاه عباس اول اتفاق افتاد، مرکز پرجمعیت ارامنه در ایران پدیدار شد. «اچمیادزین»، «اوج کلیسا» به عنوان یک نهاد دینی مسیحیت یگانه عامل پیوند دهنده مردم ارمنی و همچنین واسطه امور فی ما بین دولت قاجار و ارامنه گردید. این کلیسا ضمن دارا بودن اعتماد از سوی طرفین در طول دوره زمامداری آقا محمد خان قاجار و فتحعلی شاه قاجار در حل اختلاف و سامان دادن به مسائل ارامنه و آزادی مذهبی آن ها نقش مهم و کلیدی داشت. اچمیادزین^۱ که مانند روم در میان مردم ارمنی معروف است در دو فرسخی ایروان واقع در اطراف «وارگاپات» واقع شده است. واگارشاپات اکنون تنها یک روستای بزرگ است، اما قبلاً پایتخت ارمنستان بوده است. البته علاوه بر این، دوازده کرسی دیگر نیز در ارمنستان وجود داشت. در همان سرزمینی که اکنون واگارشاپات نامیده می شود، در زمان سابق «آرغانت - کاغاک»^۲ شهر آرتیمیس^۳ یا «ونوس ارمنیان قرار داشت»^۴. اهمیت این بنای مذهبی برای شاهان قاجار به حدی بود که شخصاً برای بازدید و دلجویی از خلیفه ارامنه به آن جا می رفتند. «شاه می خواست نزد خلیفه بزرگ اچمیادزین که زیر نظر پاپ ارمنی بود برود. اچمیادزین دو فرسخ با ایروان فاصله دارد»^۵. اچمیادزین در نزد ارامنه جهان مهم ترین و اصلی ترین مقر خلیفه اعظم ارامنه (کاتولیکوس) محسوب می شود. نقش آن بسیار بیشتر از یک کلیسا و به صورت نقش واتیکان در جهان مسیحیت کاتولیک، یک نقش جهانی در میان ارامنه گردید. در اکثر متون ارمنی از اچمیادزین به عنوان مکان مقدس یا اچمیادزین مقدس^۶ یاد شده است که فراتر از یک مفهوم، نقش و کارکرد برای یک کلیسا است. این کلیسا مقدس به معنی اچمیادزین در ارمنی، مکانی است که پسر خدا پا بر روی زمین گذاشت. اچمیادزین را ترک ها، اوج کلیسا به معنای «سه کلیسا» می نامیدند که به کلیسای بزرگ اچمیادزین و دو کلیسای مجاور آن، سنت هرسمه^۷ و سنت گایانه^۸ اشاره داشت. شهر اچمیادزین در ایروان قرار دارد. در اسناد دولتی ایران واقارشاباد با نام اچمیادزین معرفی شده است. در تصویری که از این مکان در پایان قرن هفدهم میلادی ترسیم شده است، دیر اچمیادزین در دامنه کوه آرات در بین خانه های روستایی قرار دارد. دو کلیسای شوغاکات و گایانه نیز با فاصله از کلیسای اچمیادزین در میان حصارهای جداگانه جای گرفته اند. مصطفی حاجی خلیفه، معروف به کاتب چلبی، نیز در کتاب جهان-نمای خود، به سال (۱۶۵۷م) از دیر اچمیادزین با نام «اوج کلیسا» یاد کرده است.

پیشینه

^۱ Etchmiadzin
^۲ Arganet-Kaghak
^۳ Artemise

^۴ اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ص ۱۱۷.

^۵ فوریه، سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری، ص ۴۱.

^۶ Holy See
^۷ Stripsime
^۸ St Gayane

در مورد پژوهش حاضر تحت عنوان « تبار شناسی اچمیادزین براساس منابع تاریخی » تاکنون پژوهش‌های مستقل و جامعی به صورت تحلیلی صورت نپذیرفته است و فقط بررسی‌ها و پژوهش‌های موردی محدودی در مورد نقش این نهاد دینی انجام گرفته است. بنابراین، پژوهش حاضر در راستای همین ضرورت و رفع خلاء مطالعاتی موجود، نگارنده را در جهت مطالعه و بررسی این پژوهش علاقه مند نموده است. کتاب‌ها، مقالات و نوشته‌هایی که به عنوان مأخذ در این پژوهش مورد استفاده بوده و با محتوای پژوهش حاضر تناسب موضوعی دارد معرفی می‌گردد. فاطمه اورجی (۱۴۰۰ش) مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی را مورد بررسی قرار داده است. در پژوهش اروجی تلاش شده است تا ارتباط شاهزاده عباس میرزا با ارامنیان و به خصوص اچمیادزین بررسی شود تا تلاش ایران برای حفظ این گفتگو و همچنین حفظ حاکمیت تاریخی خود بر آن سرزمین و همچنین اقدامات نخبگان اچمیادزین که منجر به روند جدایی ایران از الحاق ایران به روسیه شد، شروع شد. اشاره کرده است. هوسپیان (۱۳۹۶ش) در مقاله‌ای با عنوان نگاهی به تاریخ شهر اچمیادزین اشاره کرده است که در دوره‌های مختلف از کل منطقه نقشه‌های جغرافیایی تهیه شده است. در این نقشه‌ها، موقعیت ارمنستان را نیز مشخص و نام شهرهای مهم فلات ارمنستان ذکر شده است؛ اما از سده هفدهم میلادی به بعد نام واقار شاپاد بر اساس دیری که در آن قرار گرفته به صورت اچمیادزین ذکر شده است. در نقشه‌های موجود به زبان‌های ارمنی، انگلیسی، روسی، ایتالیایی و عربی از «واقار شاپاد» در دو جا به صورت «اوج کلیسا»، دو جا به صورت «اکیازین» و در مابقی نقشه‌ها به صورت اچمیادزین نام برده‌اند. اچمیادزین جایگاه رهبری دینی ارمنیان جهان است. نخستین کلیسای ارمنیان، پس از رسمیت یافتن مسیحیت در ارمنستان، در این شهر ساخته شد. از این رو ارزش تاریخی آن به اندازه‌ای است که شایسته‌ی بررسی و جست‌وجوهای تاریخی است؛ به‌ویژه آن‌که کاوش‌های باستان‌شناسی سکونت‌گاه‌های بسیاری از دوره‌های پارینه‌سنگی و دوره‌های پس از آن را در این شهر نشان داده است. این جستار پژوهشی، در بردارنده‌ی آگاهی‌های تاریخی و باستان‌شناختی بسیاری است، به‌ویژه در پیوند با تاریخ ایران است. اچ پاپازیان (۱۹۶۸ م) در پژوهشی با عنوان «متن فرامین فارسی ماتناداران» به بررسی نقش فرامین فارسی ماتناداران در روابط میان اچمیادزین و دولت قاجار پرداخته است. میناسیان (۱۳۷۸ش) در مقاله با عنوان «نقش ارامنه در ارتش ایران» در منابع تاریخی اشاره کرده است که در ایران اسلامی بر خلاف ترکیه اسلامی، ارامنه با رهبری اچمیادزین نه تنها حق حمل اسلحه را داشتند بلکه در ارتش ایران دارای واحدهای نظامی جداگانه‌ای بوده‌اند. در شروع جنگ‌های ایران و روس، تعداد کثیری سرباز ارمنی در ارتش ایران حضور داشتند. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی به بررسی تبارشناسی اچمیادزین در منابع تاریخی بپردازد. لذا در پی پاسخگویی به این سوال‌ها می‌باشد: ۱- چه عواملی باعث تحول در اطلاق عناوین مختلف به اچمیادزین بوده است؟ ۲- نقش حکومت‌ها در تحول عنوان اچمیادزین چه بوده است؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۱- عواملی مختلفی باعث تحول در اطلاق عناوین مختلف به اچمیادزین بوده است. ۲- حکومت‌ها در تحول عنوان اچمیادزین نقش مهمی داشته‌اند. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی به بررسی تبارشناسی اچمیادزین در منابع تاریخی بپردازد. لذا در پی پاسخگویی به این سوال‌ها می‌باشد: ۱- اچمیادزین چه جایگاه و کارکردی در میان مردم و حکومت‌ها داشته است؟ ۲- دولت‌ها در مسیر تغییر و تحول عنوان اچمیادزین چه نقشی داشته‌اند؟ یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که ۱- اچمیادزین به دلیل داشتن اعتماد و جایگاه بالا از سوی ارامنه و دولت قاجار عامل اتحاد و عدم اضمحلال مردم ارمنی در طول تاریخ بوده است. ۲- عواملی متعددی باعث تحول در اطلاق عناوین مختلف به اچمیادزین بوده است و حکومت‌ها در تحول عنوان اچمیادزین نقش مهمی داشته‌اند.

یونانیان و اتیکه^۹ اولین کسانی بودند که قوانین و آداب مسیحیت را به ارمنیان آموختند این معلمان و مبلغان، آموزه های روح القدس و مفاهیم دینی را به روش دینی یونانیان، یعنی در سنت و روش از پدر به پسر - نه پدر به پسر - به آنها آموختند. او در مورد سکونت روح خدا در بدن مسیح ارمنی، مانند اوتیکا، معتقد است که مسیح ماهیت متمایزی داشته است، بنابراین ارامنه از اعتقادات مونوفیزیت ها پیروی می کنند، یعقوبیان در شرق زمین دعاهایشان این است. همانگونه که در قرن چهارم متداول بوده و هیچ چیز دگرگونی نداشته، کلام خدا و انواع سرودها و دعاها را به زبان خود می خوانند. همچنین، عقاید آنها در مورد تصاویر مقدس معتدل است و غیرعادی، پر سر و صدا یا کفرآمیز نیست. در مراسم تقدیس نان و شراب، همه مردم کلیسا در آن شرکت می کنند و همه از راهبان و کشیشان گرفته تا کودکان نان ساده می خورند و از همان جام شراب می نوشند.^{۱۰} ارمنیان پیرو کلیسای گریگوری بودند که طبق تصمیم شورای کالسدون از کلیسای ارتدکس جدا شده بود. ارامنه بیشتر در روستای «چخور سغد» زندگی می کردند، اما تعداد زیادی از آنها در جلفا اصفهان و تعداد کمتری در درهمدان و سایر شهرها زندگی می کردند.^{۱۱} اما در حالی که ایران اکثریت مطلق پیروان اسلام را دارد، هیچ کشوری در خاورمیانه وجود ندارد که به اندازه ارامنه شهروندان مسیحی داشته باشد. زمانی که ارمنستان از ایران جدا شد، تقریباً همه ساکنان آنجا زندگی زیر یوغ ایرانیان را به ترکان ترجیح دادند و در نتیجه به طور دسته جمعی به ایران مهاجرت کرده و در نقاط مختلف این کشور پراکنده شدند. ایرانی ها به گرمی از آنها استقبال کردند و خیلی زود اکثر آنها ثروتمند و از نظر مالی مستقل بودند.^{۱۲} دولت صفوی به ارامنه آزادی و امتیاز داد تا از محیط جدید پیروی کنند و آنها را تشویق به ساخت خانه ها و مزارع خود کرد. ارامنه کم کم به این آب و خاک عادت کردند و با این احساس که جزئی از پیکر بزرگ ایران هستند در حیات اجتماعی و اقتصادی ایران ظاهر شدند.^{۱۳} ارامنه که مردمی فعال بودند به تجارت پرداختند و در نتیجه همت و پشتکار آنان جلفا به شهری مترقی تبدیل شد.^{۱۴} پیشرفت ارمنیان چنان بود که به زودی تجارت ابریشم خام، سنگ های قیمتی، مروارید و پارچه های دستباف میان ایران، هندوستان و روسیه را در دست گرفتند.^{۱۵} شاهان صفوی از ارمنیان برای برقراری روابط با کشورهای خارجی ها همچنین از روحانیون مسیحی، اسقف ها و کشیشان کاتولیک اروپایی مقیم ایران برای تقویت روابط اقتصادی و سیاسی خود با دولت های اروپایی استفاده کرده اند.^{۱۶} اهمیت نقش اقتصادی و سیاسی ارامنه برای حکومت وقت ایران ثابت شده بود به همین دلیل از آنها حمایت کردند.^{۱۷} پس از مرگ شاه عباس یکم نیز، اصول سیاست ایران نسبت به رعایای ارمنی خود تغییری نیافت و کم و بیش تا پایان حکومت صفویان پایدار ماند. از دوران پادشاهی شاهسلطان حسین صفوی، ایران به تدریج شکوه و نیرومندی گذشته را از دست داد. در حمله افغانها به اصفهان ارامنه نقش عمده ای در دفاع از شهر جلفا و مقابله با افغانها داشتند.^{۱۸} دایره تسلط قدرت و نفوذ اچمیادین در عهد شاه سلطان حسین صفوی طوری بود که در مواردی به مخالفت و لغو فرامین سلطنتی پرداخت و حوزه نفوذ مبلغان فرانسوی در ایران را از بین برد. اروپایی ها ظاهراً تا آنجا که می توانستند تلاش کردند تا کار فرانسوی ها را در عرصه داخلی در حوزه تجارت و البته در حوزه سیاست ایران از بین ببرند. انگلیسی ها، هلندی ها و متحدان آنها، بازرگانان ارمنی، شاه سلطان حسین را تحت فشار قرار دادند تا امتیازات داده شده به فرانسه را ملغی کند. اسکندر موفق شد که کشیش بزرگ اچمیادین، مردی قدرتمند، فرمان شاه سلطان

⁹ Eutyche ens

^{۱۰} شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۴۱۱.

^{۱۱} راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، صفحه ۵.

^{۱۲} دروویل، سفر در ایران، ص ۱۱۵.

^{۱۳} رضایی، گنجینه تاریخ ایران، ص ۳۷.

^{۱۴} اوهایان، تاریخ جلفای اصفهان، ص ۱۲۷.

^{۱۵} پتروشفسکی، پیگلسکایا و دیگران، تاریخ ایران، ص ۵۲۲.

^{۱۶} اعرابی هاشمی، «نقش ارامنه در تجارت خارجی صفویه»، ص ۶۲.

^{۱۷} جونس، هجوم افغان و زوال دولت صفوی، ص ۱۱۲-۱۱۸.

حسین را در مورد مبلغان کاتولیک که میشل دریافت کرده بود، از بین ببرد.^{۱۸} دوره پادشاهی فتحعلی شاه قاجار، با آرامش نسبی در کنار آنها آرامنه ایرانی به ویژه ساکنان جلفا که تحت تأثیر هرج و مرج چند دهه اخیر قرار داشتند، حضور داشتند. ، از این آرامش بهره بردند و جانی تازه گرفتند. اسماعیل راین در کتاب خود وضع ارمنیان را در زمان فتحعلی شاه خوب توصیف می کند بود.^{۱۹} و در هوانیان مورخ ارمنی دوره قاجار می نویسد فتحعلی شاه به آرامنه اعتمادی زیادی داشت.^{۲۰} در زمان حکومت فتحعلی شاه، جنگ ایران و روسیه با انعقاد دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای پایان یافت. براساس این قرارداد «مناطق داغستان، گرجستان، آبخازیا، خانات باکو، قره باغ، گنجه، شیروان، کعبه، دربند و تالش و تمام مناطق شرقی ارمنستان به روسیه واگذار شد».^{۲۱} حکومت روس علاقه و اهمیتی به وابسته کردن دیر اچمیادزین و کشیشان بزرگ آن به مقامات دولتی نشان می داد، زیرا اچمیادزین را مقدمه ای برای حضور و تأثیرگذاری در آسیای مرکزی و قفقاز می دانست. به همین سبب تلاش هایی را برای جلب توجه امنای اچمیادزین نمود. «قریباً تمامی ارمنیان ترکیه و ایران آیین ملی و تاریخی تبار خود را که همان آیین میلادی است، رعایت می کند. علاقه و اهمیتی که دولت روسیه در ارتباط صومعه اچمیادزین و کاهنان اعظم آن با مقامات دولتی می بیند تا با کمک آنها مسیر فتوحات آینده در آسیا هموار و هموار شود، به خوبی قابل درک است».^{۲۲} امپراتوری روسیه در نظر داشت روستاهای خانات ایروان و نخجوان را، که بر اثر جنگ های طولانی ویران و خالی از سکنه شده بودند، بار دیگر مسکونی سازد. همچنین، به دنبال آن بود که با متروکه کردن آذربایجان ایران به اقتصاد این منطقه لطمه نزنند. روس ها برای تحقق این دو هدف از وضعیت نامناسبی که خان های آذربایجان ایران برای ساکنان ارمنی منطقه به وجود آورده بودند بهره بردند. آنان به تبلیغ وضعیت مناسب زندگی برای ارمنیان در شمال رود ارس پرداختند و تا (۱۸۳۰م)، آراکل گریگور باباخانیان، معروف به لئو، مورخ قرن نوزدهم میلادی، بر این باور است که «بسیاری از ارمنیان روستاهای آذربایجان به زور ارتش روسیه تن به مهاجرت دادند و طبق برنامه ریزی روسیه قرار بود ۶۵۰۰۰ نفر به شمال رود ارس مهاجرت کنند که با مداخله عباس میرزا و ارسال نامه اعتراضی به پاسکویچ ۲۰۰۰۰ نفر در روستاهای منطقه باقی ماندند».^{۲۳} «مهاجران در روستاها و شهرهای مختلف دشت آرات و تعدادی از آنان نیز در روستای واقارشاباد ساکن شدند، که آمار دقیقی از شمار آنها در دسترس نیست. روسیه به غیر از آن که ارمنیان را وادار به مهاجرت کرد، حدود ۸۰۰۰۰ روس را، که به فرقه مالاکان معروف بودند، روانه مناطق مختلف جنوب قفقاز کرد اما آنان به علت اعتقادات مذهبی شان در روستای واقارشاباد ساکن نشدند. عباس میرزا، که از عواقب زیان بار این مهاجرت بزرگ مطلع بود، برای انصراف ارمنیان بسیار کوشید. حتی، تعدادی از دیرهای آنان، از جمله قره کلیسا و استپانوس مقدس را مرمت کرد و برای انتقال مرکز دینی ارمنیان از دیر اجمیادزین به قره کلیسا اقداماتی صورت داد. با درگذشت عباس میرزا تلاش های وی نیمه تمام باقی ماند».^{۲۴}

باور آرامنه در ساخت اچمیادزین

این بنای مذهبی دارای معماری خاصی است که مختصی اماکن مسیحی می باشد. «ساختمان کلیسا به سبک معماری معمولی بیزانسی است، به جز گنبد آن که به شکل مخروطی بلند است. بالای پنجره لوحی سنگی است که با مجسمه های قدیسان تزئین شده است. سر بزرگ آن از سنگ مرمر قرمز تراشیده شده است که بسیار شبیه همان لوح است. آن سوی دیوار کلیسا در سمت راست مقبره

^{۱۸} نوایی، اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق.، ص ۳۳.

^{۱۹} راین، *ایرانیان ارمنی*، ص ۳۸.

^{۲۰} اوهایان، *تاریخ جلفای اصفهان*، ص ۳۰۴.

^{۲۱} دانشنامه بزرگ ارمنی، ج ۳، ص ۱۱۴.

^{۲۲} اورسول، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ص ۱۱.

^{۲۳} سرکیسیان، «سکونت مجدد ارمنیان ایران توسط حکومت روسیه در ۱۸۲۸م، اجمیادزین»، ص ۲۴۱.

^{۲۴} هوسپیان، «دیر تادئوس مقدس»، ص ۱۵.

گروهان مکدونالد، سفیر کمپانی هند در ایران (۱۸۳۰ هجری قمری) [۱۲۴۶ هجری قمری] است که در تبریز درگذشت.^{۲۵} دلیل دیگری که بر قداست کلیسا می افزاید این است که یکی از بزرگترین و مهم‌ترین معابد پس از بیت المقدس است و به اعتقاد ارامنه و مسیحیان کلیسایی با حضرت عیسی و بر آن درود خدا بر شماس است. گفت در مورد انتقال به سرزمینی که سه روز بعد آمد.^{۲۶} اوچ کلیسا به لحاظ زیبایی بصری درونی بسیار شگفت‌انگیز و دارای تزئینات خاصی می باشد که زیبای اش دو چندان می کند. «روی دیوارهای داخل کلیسا نقاشی های غم انگیزی بود و کشیش راهنمای ما گفت که این کار شاگردان رافائل^{۲۷} است. ارامنه خود باوردیگری برای ساخت اوچ کلیسا دارند که در شرح سفر شاردن تشریح شده است. «همچنین ارامنه بر این باورند که عیسی مسیح نقشه کلیسای «اکس میازین» را با نوری که از آن نشأت می گیرد ترسیم کرد و به سن گرگوار مقدس دستور داد تا کلیسا را طبق همان نقشه بسازد، سپس زمین را در محلی قرار دادند که سنگ قرار داده شد و عیسی تمام شیاطین و ارواح شیطانی را که در معبد ارمنی بودند و سحر می کردند به داخل گودال انداخت. و سن گرگوار فوراً نقطه ای را برداشت که دهان باز زمین توسط یک تکه سنگ مرمر بسته شده بود. می گویند شاه عباس کبیر سنگ مرمر بزرگ را با خود به اصفهان برد و در خزانه سلطنتی نهاد و این سنگ بزرگ را جایگزین آن کرد. زمانی که در اصفهان بودم با درباریان و خزانه داران و همه کسانی که فکر می کردم در این مورد آگاهی دارند، با علاقه صحبت می کردم، اما نتیجه ای نداشت. در سنت مذهبی ارامنه داستان دیگری از مرکز این کلیسا وجود دارد که در آن سنگ بزرگی وجود دارد، هرچند افسانه است، به آن اشاره می کنم. راهبان ارمنی می گویند در وسط این کلیسا همان مکانی است که حضرت نوح محراب و محراب گفته شده در فصل هشتم پیدایش را ساخته و در آنجا قربانی می کند.» (شاردن، ۱۳۷۲، جلد ۱، ص ۴۰۸). ارامنه آن را «اچمیازین»^{۲۸} یعنی «یگانه پسر» گویند. بنا به اعتقاد او این کلیسا در سال ۳۰۰ پس از میلاد ساخته شده است معروف است که وقتی کلیسا ساخته شد، زمانی که دیوارهای آن به قد یک انسان رسید، شیطان آنها را در طول شب شکست و کارگران مجبور به بازسازی تا صبح شدند تا اینکه شیطان از تخریب آن دست کشید و کلیسا را تخریب کرد. ساخته و تکمیل نشده است. این کلیسا «سن ژورژ» نام نهادند، زیرا «سن ژورژ»^{۲۹} ارامنه او را بسیار ارج می نهند. در میان ارامنه «اچمیادزین» با عنوان «اشت زمیازی» نیز معروف و متداول بوده است (در ده فاصله از ایروان، تفلیس، در کنار دریاچه شیرین، جایی که رودخانه «زنگی چای» سرچشمه می گیرد، قرار دارد. دریاچه ماهی قزل آلا را به اندازه یک ذرع دیده است. جزیره ای در وسط دریاچه وجود دارد که در آن کلیسایی وجود دارد که قدمت نهصد سال دارد. یک کلیسای معروف «اوچ - کلیسا» که ارامنه آن را «اشت زمیازی» می نامند در دوفرسخی ایروان است و به نقل از «شاردن» در میان کتاب‌های این کلیسا کتابی وجود دارد که نام قدیمی شهر ایروان را «وقار شاپاط» بود. و «واقار» اسم یکی از سلاطین ارمنی و «شاپاط» در زبان ارمنی به معنی شهر است».^{۳۰}

تاریخچه عنوان اچمیادزین

واژه اجمیاتسین (به ارمنی Աճմիածին) شامل دو بخش اچ (Ա) و میاتسین (միածին) است. اچ به معنی فرود آمدن و نزول است^{۳۱} و میاتسین به معنی فرزند یگانه یا یگانه‌زاد (لقب عیسی مسیح) است^{۳۲}. در جمع به معنی «فرود آمدن یگانه زاد»،

^{۲۵} اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ص ۱۱۹.

^{۲۶} جهانگیر میرزا، تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری، ص ۲۶.

^{۲۷} نقاش معروف ایتالیایی (۱۴۸۳-۱۵۲۰م).

^{۲۸}Eghmiasen

^{۲۹} Saint Georges

^{۳۰} این شهر فعلاً پایتخت ارمنستان شوروی است.

^{۳۱} غازیان، واژه نامه ارمنی کهن، ص ۴۵۶.

^{۳۲} همان، ص ۱۸۲.

«نزول حضرت مسیح» است. آگاتا نگوس مورخ ارمنی قرن ۵م می نویسد گریگور روشنگر، بنیانگذار مسیحیت در ارمنستان، در خواب دید که حضرت مسیح از آسمان به شهر واغارشابات یا بلاش آباد، پایتخت ارمنستان، فرود آمد و با دست جایی را نشان داد که در آن کلیسا برپا شود. در همان جا بود که کلیسای جامع ارمنستان در سال‌های (۳۰۱-۳۰۳ میلادی) ساخته شد.^{۳۳} این کلیسا در آغاز «کلیسای کاتولیکه»، «کلیسای مادر» و «کلیسای جامع» نامگذاری شد، اما در قرون بعدی بر اساس رویداد مربوط به نزول حضرت مسیح در آن محل کلیسای اجمیاتسین نام گرفت. بنابراین این نام در ادبیات ارمنی نخست به صورت دو واژه جداگانه اِج میاتسین به کار رفت که اشاره به نزول حضرت مسیح در آن مکان دارد. ساهاک سوم رهبر دینی ارمنستان در اواخر قرن ۷ میلادی در سرودی مذهبی از اِج میاتسین سخن می‌گوید و می‌نویسد: یگانه‌زاد نازل شد از سوی پدر و بر ما نور افشاند.^{۳۴}

شکل چسبیده اِج میاتسین یعنی اجمیاتسین که تبدیل به نام خاص شده بود نخستین بار در سده‌های (۱۴-۱۵ میلادی) دیده شده و برای نامیدن شهر واغارشابات و کلیسای جامع آن به کار رفته است. یکی از قدیمی‌ترین مورخانی که نام اجمیاتسین (به صورت چسبیده) را آورده است، توما متسوپتسی (قرن ۱۵ میلادی) است.^{۳۵} بنابراین در ادبیات ارمنی مسیحی واژگان اِج میاتسین (جدا از یکدیگر) نخست برای اشاره به نزول حضرت مسیح در خوابی که گریگور قدیس دیده بود پدیدار شد، سپس از قرن چهاردهم یا پانزدهم میلادی نام اجمیاتسین (به صورت چسبیده) رواج یافت. و شهر واغارشابات و کلیسای جامع آن اجمیاتسین نامیده شد.

در مورد عنوان کلیسای اوچ یا اچمیادزین، «اوچ به معنی سه در ترکی» نظرات مختلفی وجود دارد. کلیسای اوخ، سه کلیسا، نام مکانی است در دو فرسخی ایروان که در آن سه کلیسا در کنار هم قرار گرفته اند و یکی از مکان‌های مبارک در میان ارامنه است و گفته می‌شود در زمان مسیح بوده است. به یکی ظاهر گردید. از میان این سه کلیسا که تقریباً در کنار هم قرار دارند، کلیسای میانی بزرگ‌ترین است و سقف و دیوارهای آن تماماً سنگی است.^{۳۶} مادام دیولافوا در سفرنامه کولدا و شوش شرح مفصلی از این مکان نوشته است.^{۳۷} اوچ کلیسا توسط گریگور مقدس بنا نهاده شده است. «بخش مرکزی ارمنستان در غرب ایروان در دره رود ارس قرار دارد. این شهر از سال ۱۸۴ تا ۳۴۴ میلادی پایتخت ارمنستان بوده است. توسط سنت گریگوری تأسیس شد. از آنجایی که این سه کلیسا در نزدیکی یکدیگر قرار دارند، به اوچ کلیسا (سه کلیسا) معروف است.» دو دلیل برای نام‌گذاری اچمیادزین روایت شده است که یک روایت دینی است که اچمیادزین را که به معنای «تنها فرزند نازل شده از آسمان» جاده ایروان به اچمیادزین که از کنار رودخانه زنگا و حومه شهر می‌گذرد و خانه‌ها را باغ‌های بزرگ با دیوارهای گلی احاطه کرده و از دید عموم پنهان شده است. سپس به سمت دشت وسیع که توسط آارات احاطه شده است، جریان می‌یابد. کوه قارص در غرب در پشت مه آبی به صورت کمرنگ قابل مشاهده است. دیدن دو کلیسا به نام‌های سنت گیان^{۳۸} و سنت ریسیم^{۳۹} نزدیک شدن به دیر اچمیادزین خبرهای خوبی به همراه دارد. اگر زبان داستان‌ها و افسانه‌ها را باور کنیم، این دو دوشیزه

^{۳۳} دانشنامه ارمنستان مسیحی، صص ۳۶۶-۳۶۷.

^{۳۴} همان، ص ۸۷۸.

^{۳۵} متسوپتسی، تاریخنگاری، ص ۲۱۸.

^{۳۶} ر. ک: گنج دانش، ص ۱۱۱۲.

^{۳۷} خاوری شیرازی، تاریخ ذوالقرنین، ص ۲۰۱.

^{۳۸} Sainte Guiane

^{۳۹} Sainte Rhapsime

باکره برای رهایی از چنگال عشق کفرآمیز دیوکلسین^{۴۰} ازرم فرار کرده بودند تا در گوشه‌ای از ارمنستان معتکف شوند^{۴۱} در آن روزگار، تیرداد^{۴۱} او بر این سرزمین حکومت می‌کرد و با یک دل نه صد دل عاشق آنها شد و تمام تلاش خود را کرد تا دل آنها را به هر وسیله ممکن حتی با توسل به زور و خشونت به دست آورد، اما او کاری نکرد و عاقبت به پایان رسید. این عشق به رسوایی می‌انجامد و آن گونه که شایسته او بود، به جرم رفتاری دور از حیا و نجابت مجازات می‌شود: یک روز ناگهان همه دیدند که تیرداد تبدیل به خوک شده است^{۴۲}. سردرگمی تمام دادگاه را فرا می‌گیرد. اساساً پادشاهی که هیچ فکر و میل دیگری جز تغذیه با خوردن بلوط نداشت، در خوک‌خانه‌ای مجلل رها شد تا زندگی جدید خود را در چرخ‌چرخ مخصوص سلطنتی - که در گل می‌غلند- بگذراند. پس از این ماجرای مفتضحانه به خواهر غیبی شاه، سروش اطلاع می‌دهد که برادرش تیرداد جز زنا، بی دین است و افکندن قدیس گرگوریوس بیچاره به چاه برای دعوت از افرادی که آن را برای مسیحیت ریخته اند به بیست سال حبس محکوم می‌کند. خواهر با شنیدن این پیام اقدام میکند و قدیس را از چاه بیرون می‌آورد. مرد روحانی مقدس چند قطره آب مقدس بر تیرداد می‌پاشد و او را به حالت اولیه باز می‌گرداند و از آن زندان عجیب نجات می‌دهد. این بار پادشاه ظالم بدون تردید به دین جدید ایمان آورد و حتی یکی از معتقدان سرسخت آن شد. مردم با گرایش به مسیحیت - دین پادشاه خود - دین جدید را می‌پذیرند و گرگوری قدیس به عنوان اسقف اعظم کل ارمنستان انتخاب می‌شود و به کلیسای اچمیادزین دستور می‌دهد که «تنها پسری که فرستاده بود. از آسمان فرود آی و جایگاهی را که حضرت عیسی شخصاً به او نشان داده بود، قرار ده»^{۴۳}. روایت دیگری ریشه‌های اسطوره‌ای و افسانه‌ای را بیان می‌کند. «دو کلیسای نزدیک اکس میازین یکی سنت کئان^{۴۴} و دیگر سنت رپسیم^{۴۵} نام آنها از دو باکره رومی گرفته شده است که در جریان نهمین دور آزار و شکنجه مذهبی به ارمنستان گریختند. این دو قدیس در همان نقطه ای که کلیسای فوق ساخته شده بود به شهادت رسیدند. کلیسای سنت کین در سمت راست دره هفتصد قدم و کلیسای سنت رپسیم دو هزار قدم در سمت چپ آن قرار دارد. هر دوی این کلیساها نیمه ویران هستند و کسی در حال تعمیر آنها نیست. در قلمرو ایروان که از هر جهت بیست مایل عرض دارد، بیست و سه صومعه مردانه و پنج صومعه زنانه وجود دارد که همگی ضعیف اداره می‌شوند و هیچ کدام گنجایش بیش از پنج یا شش نفر را ندارند. به دلیل فقر شدید بیشتر وقت خود را صرف امرار معاش می‌کنند و فقط در ایام مبارک به انجام مراسم مذهبی می‌پردازند. کوئرویراب^{۴۶} یعنی کلیسای روی چاه، یکی از معتبرترین صومعه های ارمنستان است. این نام به این دلیل است که این کلیسا در روی چاهی قرار دارد که بر اساس مطالب تاریخ مذهبی ارمنیان، گرگوار مقدس را در آن انداخته اند و چون دانیال در گودالی در میان شیرها بود، به او چاه داده می‌شود. این زیارتگاه در نزدیکی مرز ایروان و جنوب اکس میازین قرار دارد و مردم محلی می‌گویند که خرابه‌های آرتاکسارت^{۴۷} در اینجا همچنان به جا مانده است. مردم ارمنستان این شهر را آرداشات^{۴۸} می‌خوانند که از نام آرتاکزرکس^{۴۹} گرفته

^{۴۰} دیوکلسین (Diocletien) یا به قول قدما دیو قلیتیانوس امپراتور روم (۲۴۸-۳۰۵ م) آن قدر از مسیحیان را کشته است که سال‌های آخر سلطنت وی را به نام عصر شهیدان نام نهاده‌اند.

^{۴۱} اگر افسانه‌ی بالا را با توجه به وقایع منظم تاریخی ساخته باشند، نباید تیرداد (Tiri Dates) مورد اشاره را با تیرداد اول و دوم اشکانی که اولی پیش از میلاد مسیح، و تیرداد سوم، در سال ۳۶ بعد از میلاد، شاهنشاه ایران زمین از جمله ارمنستان بودند، اشتباه کرد. بلکه ظاهراً منظور تیرداد سوم پادشاه ارمنستان است که در قرن چهارم میلادی می‌زیسته و هم زمان با امپراتور دیوکلسین در آن خطه سلطنت می‌کرده است.

^{۴۲} اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ص ۱۱۸.

^{۴۳} اورسول، سفرنامه قفقاز و ایران، ص ۱۱۸.

^{۴۴} Sainte caiane

^{۴۵} اسقف کومیتاس (Comitas) کلیسای سنت رپسیم (Sainte repsime) را در سال ۶۱۸ بنا و اسقف فیلیپوس در سال ۱۶۵۳ آن را ترمیم کرد، و جلو خان سر پوشیده‌ای بر آن افزود.

^{۴۶} Couer virab

^{۴۷} Artaxertes

^{۴۸} Ardechat

^{۴۹} Artaxerexes

شده، و مردم مشرق زمین آن را اردشیر^{۵۰} می‌گویند. همچنین معتقدند در میان این ویرانه‌ها آثار قصر تیریدات^{۵۱} که مشاهده می‌شود ۱۳۰۰ سال پیش ساخته شده است. او حتی می‌گوید که یک طرف کاخ نیمه خراب است و چهار ردیف ستون آن که در هر ردیف نه ستون است، هنوز پابرجاست. دور این ستون‌ها را توده بزرگی از سنگ مرمر صیقلی احاطه کرده است و ضخیم آن به حدی است که اگر سه مرد دست خود را باز می‌کردند و آن را روی هم می‌گذاشتند، نمی‌توانستند آن را نگه دارند. تاکت تردات^{۵۲} یعنی تخت تیریدات نامیده می‌شود.^{۵۳} عنوان اچمیادزین به صورت‌های مختلف نوشته است و در منابع مختلف با عناوین مختلف نگارش شده است. درجایی به صورت «شمیازین» نوشته و عنوان گردیده است. «وزارت امور خارجه، امروز وزارت جنگ را وی خبر داد که شیخ عبدالقادر فرزند شیخ عبدالله از طریق خانواده خود «شمیازین» [اچمیادزین] به آن مرحله رسیده است. او هم قرار است وارد شود. علاوه بر این، «۶۰ نفر از سپاه عثمانی از راوندوز به شمیازین و اطراف آمده‌اند و از راوندوز ارتش انگلیس به آنجا رفته است».^{۵۴} همچنین با عنوان «اوچ میآدزین» نیز بیان شده است. [اوچ ک لی سا] (اسم خاص). نام کلیسای معروفی است به ایروان که در ۲۷۸ ورستی تغلیس قرار دارد.^{۵۵} این کلیسا را «اوچ میآدزین» نیز می‌نامند. اما ترک‌ها هنگام اطلاق به «اچمیادزین» از عنوان «اوچ-کلیسا» استفاده می‌کردند. «ایروان یکصد و پنجاه میل آلمانی با تبریز فاصله دارد. شهریست بسیار مستحکم که در زمینی خوش آب و هوا و حاصلخیز واقع شده است. سه مایل دورتر از آنجا سه کلیسا با چند قرن قدمت وجود دارد. دو تا نیمه ویران است و سومی که مهم‌ترین است و ترک‌ها اوچ کیلیسا نامیده‌اند سالم است. قبلاً تعداد زیادی از زائران از آن بازدید می‌کردند. اکنون تعداد زیادی راهبان و کشیشان یونانی وجود دارند که خود را مسیحی می‌دانند به درخواست او اعلیحضرت شاه به من اجازه داد که صومعه را در آنجا ببینم و او با تعدادی از نگهبانانش مرا همراهی کرد وقتی رسیدم ارامنه از من استقبال سلطنتی کردند. ابتدا مرا به داخل کلیسا برد و دست خشک شده را در قالبی طلائی به من نشان داد و از طریق مترجم به من گفت که دست راست قدیس گرگور نازیانزه است که جسد او در آنجا دفن شده است. این کلیسا به خوبی از سنگ تراشیده ساخته شده و دارای سقفی زیبا با سوراخ مدور در وسط است. در اینجا هیچ تصویر، مجسمه و تصویر مقدسی وجود ندارد و از اینکه چرا می‌گویند این چیزها آنجا بوده است، اما اکنون ترک‌ها توان خرید زنگ و تصویر، مجسمه و تصویر را ندارند».^{۵۶}

دلیل ترک‌ها برای نام‌گذاری اچمیادزین به اوچ کلیسا

دلیل آن که ترک‌ها به اچمیادزین عنوان اوچ کلیسا را نهادند وجود سه دیر در نزدیکی هم به طوری که به فاصله ۱۳۰۰ متری شرق دیر دوکلیسا است که با کلیسای دیراز دور منظره‌ای بسیار زیبا را متصور می‌نماید. «اچمیادزین^{۵۷} و آگارشاپات^{۵۸} در دره رود ارس در غرب ایروان در بخش مرکزی جمهوری سوسیالیستی شوروی ارمنستان واقع شده است. در قرن ششم قبل از میلاد وجود داشته است. این شهر از سال ۱۸۴ تا ۳۴۴ میلادی پایتخت ارمنستان بوده است. کلیسای معروف ارمنی در این منطقه توسط گرگوری قدیس در سال ۳۰۲ پس از میلاد تأسیس شد و دارای کتابخانه‌ای ارزشمند از ادبیات ارمنی است. نمای داخلی کلیسا با چهره‌های برجسته ایرانی تزیین شده است. در عین حال روغن مقدس مورد استفاده در کلیساهای ارمنی هر هفت سال یکبار تهیه می‌شود. در ۱۳۰۰

⁵⁰ Ardecher

⁵¹ Tiridate

⁵² Tact terdat

^{۵۳} شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۴۱۰.

^{۵۴} فراهانی، روز شمار تاریخ معاصر ایران، ص ۲۱۷.

^{۵۵} جغرافیای قفقاز نسخه خطی کتابخانه ملی، ش ۲.

^{۵۶} نکتاندرفون در یابل، ایتیرپرسیکوم گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول، ص ۶۳.

⁵⁷ Echmiadzin

⁵⁸ Vagarapat

متری شرق دره دو کلیسا وجود دارد که چشم اندازهای جالبی از کلیساهای دره در دوردست دارند. و نام [ترکی سه کلیسا]^{۵۹} که ترکها به صومعه اچمیادزین داده اند از اینجا آمده است. در سال ۱۲۱۹ میلادی بین عباس میرزا ولیعهد و سسیانوف جنگی در گرفت که به جنگ اچمیادزین معروف است در يك جا آن را «اکس میازین» می گویند که به معنای تن و ستبر است. «در فاصله دو فرسنگی ایروان صومعه هایی با سه کلیسا وجود دارند که مقدس ترین کلیساهای ارامنه مسیحی به شمار میروند. ارمنی ها آن را اکس میازین^{۶۰} می گویند؛ به معنای نوادگان تنها متولد شده است، مردم آنجا معتقدند که این نام را به این کلیسا داده اند زیرا به وضوح دیده می شود که عیسی مسیح به دلیل «گرگوار» که اولین اسقف بزرگ این صومعه بود از بهشت نازل شد. اما مسلمانان به آن دیه اوچ کلیسا می گویند که به معنای سه کلیسا است. همانطور که گفته شد کلیسای اصلی^{۶۱} نام دارد و بسیار محکم و استوار است. این بنا از تخته های سنگی عظیم ساخته شده است که هر یک از ستون های مربعی آن هفتاد و دو فوت ارتفاع دارد و همه از سنگ های بسیار بزرگ ساخته شده است. فضای داخلی ساختمان فاقد نقاشی و مجسمه بوده و تاریک است».^{۶۲}

اچمیادزین از دیدگاه سفرنامه نویسان

در سفرنامه الکسیس سولتیکف «اچمیادزین» با عنوان «اوچ میازین» نوشته شده است. «الکسیس سولتیکف در سفرنامه اش نوشته است: وقتی به ایروان کاملاً نزدیک شدم در هر دو طرف دیوارهایی برآورده از گل و خشت مشاهده کردم. در پس این دیوارها خانه هایی بدنما، باغهایی رهاشده و بی باغبان. درختان سپیدار نیمه خشک دیده می شد. روزی به تماشای کلیسا اوچ میازین واقع در چهار فرسنگ و نیمی شهر رفتم. عامه بر این اعتقادند که این کلیسا در سال ۳۰۳ میلادی ساخته شده است».^{۶۳} در برخی منابع «اچمیادزین» به دلیل آن که مقر کشیش بزرگ ارامنه بوه عنوان «ایچ میازین» اطلاق می گردیده است. «از مشاهده کلیسا دل های ما در دولت اسلامی آرام شد - این کلیسا قبلاً مقر کشیش ارمنی بوده و مانند چوپان از گوسفندان خود در برابر حمله گرگ محافظت می کند - ایچ میازین نام دارد و از ۱۵۰۰ سال پیش ساخته شده است. در این دوره در برابر حوادث و انقلاب ها مقاومت کرده اند، کاهنان با زهد و عبادت پریشان هیچ پیشرفتی نکرده اند، حتی از دعای خود ناراحت نشده اند».^{۶۴} در منابع دیگر نام آن «اوچ میازین یعنی شناخته شده و گفته می شود که در این کلیسا ثروت زیادی از همه نوع جمع کرده است. به این جهت دایما گروه هایی از بدکاره های نیم وحشی را به سوی خود جلب می نمود بیشتر کاروان های خارج از شهر، قبلاً و حتی اکنون، قلعه های کوچکی بوده و هستند که توسط برج کنگره احاطه شده و سکوهایی برای محافظت از آنها ساخته شده اند. «آنها بر روی دیوارها سکوهایی می سازند و سوراخ هایی در آنها ایجاد می کنند تا مدافعان بتوانند از آنجا به محاصره کنندگان شلیک کنند. مسافران اغلب مجبور می شدند به سمت کاروانسرا سنگ پرتاب کنند، به ویژه در زمان جنگ داخلی که راهزنان سراسر ایران را آلوده کرده بودند و به همه حمله می کردند. امروزه این حملات همچنان توسط کردها در مرزها، به ویژه مرزهای ارمنستان انجام می شود. در اینجا راهزنان کرد اغلب روستاییان را غافلگیر می کنند و حتی زیارتگاه معروف اوچ میازین نیز مورد حمله قرار گرفته است. این صومعه دارای کلیسایی است که قدمت آن به بیش از ۱۵۶۰ سال می رسد.»^{۶۵} در این کلیسا ثروت زیادی از انواع و اقسام انباشته شده است، به همین دلیل همیشه

^{۵۹} Uçkelisa

^{۶۰} Ecs miazin

^{۶۱} X-Miajin

^{۶۲} شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۴۰۷.

^{۶۳} شاردن، سفرنامه شاردن، ص ۱۸۷۶.

^{۶۴} کوتزبویه، مسافرت به ایران بمعیت سفیر کبیر روسیه در سال ۱۸۱۷، ص ۶۲.

^{۶۵} یکی از راهب های این صومعه که بعداً در سن پترزبورگ ملاقات کردم، با اطمینان خاطر گفت که اساس آن در سال ۳۰۷ پس از میلاد به رهبری گرگوار کبیر مقدس گذاشته شد، در صورتی که این یک اشتباه تاریخی بود، زیرا پاپ گرگوار در سال ۶۰۴ درگذشت. و بدون شک ساخت این بنای باشکوه در تاریخ معاصر پایان مشخصی داشته است. دیوارهای ضخیم آن از بلوک های بزرگ سنگ خاردار سیاه ساخته شده است که درزهای بین آنها به سختی قابل مشاهده است و ظاهراً از خرابی های این زمان جان سالم به در برده است. گنبد کلیسا و دو برج کوچک بر فراز سردر بسیار دیرتر ساخته شد.

گروه‌هایی از اشرار نیمه وحشی را به خود جذب می‌کند، اما هر بار دزدان با شجاعت توسط اعضای کلیسا دفع می‌شوند. در چنین مواقعی از بالای تمام دیوارها که تاج‌هایشان مانند قلعه‌هایی با کنگره است به سوی مهاجمان شلیک می‌کنند و مرتب تماشا می‌کنند تا غافلگیر نشوند.^{۶۶} این کلیسای قدیمی که در قرن چهارم پس از میلاد ساخته شده است با حصارها و برج‌هایش از بیرون شبیه قلعه نیست و به‌ویژه برای مقاومت در برابر حملات مهاجمان ساخته شده است. دزدهای مسلمان حریص گنج را در آنجا متوقف کرده‌اند.^{۶۷} سالتیکوف^{۶۸} روسی مشاهدات خود از کلیسا را اینگونه توصیف می‌کند: «وضعیت آن ساختمان بسیار عجیب به نظر می‌رسید. دیوارهای همگی کنده کاری شده و خطوط عجیبی بود. کشیش اینجا که یک پیرمرد سنتی بود، مقداری پنیر بز، پنیر گاو میش، شراب و غذاهای دیگر برای ما آماده کرد. ناهار می‌خوریم و از آنجا برمی‌گردیم به منزل نمودیم».^{۶۹}

اچمیادزین از دیدگاه شاهان قاجار

بررسی تحولات تاریخی و اسناد و مدارک به خوبی گواه آن است که سیاست اصولی دولت قاجار حمایت جدی و مستمر از اچمیادزین و مردم ارمنی تحت حکومت خود بوده است. به طوری که در باب عدم اجبار ارمنه به تغییر کیش ارمنه به اسلام توسط مسلمانان و عدم تعرض به آئین و مناسک مذهبی آن‌ها فرامین مهمی صادر کردند. «عالیجاه خلیفه داود بداند که از دیوان اعلی مقرر است که در اوجاق مذکور و در قریه‌ها و مزارع مسکونه ارمنه به طریق سابق در بابا ناقوس کشیدن و تخته زدن و بانگ گفتن و مرده برداشتن کسی از اهل اسلام مانع و متعرض ایشان نشود که به آئین و قوانین خود امور مذکوره را به تقدیم رسانند و املاک و مزارع و باغات ایتاعی و موقوفه اوجاق اوچ کلیسا بدون امر و نهی و اذن و مرخص آنعالیجاه کسی دخل و تصرف ننماید و چنانچه از جماعت مسلمانان کسی ادعائی داشته باشد بدون فرمان جهان مطاع ادعا ننماید و ارمنه را جماعت مسلمان ماذون و مرخص ننماید که جبرا و قهرا به دایره اسلام بیاورند».^{۷۰} همچنین شاهان قاجار تاکید داشتند که اگر کسی در مورد دین و آئین مسیحیت سولاتی دارد باید به نزد علمای اچمیادزین برود و با آن‌ها سخن بگوید و برای جلوگیری از تصرف کردن اموال ملت ارمنه مسیح توسط مسلمانان نیز فرامینی به حکام و والیان مناطق صادر کرده بودند. «عالیجاه خلیفه اپرم بداند که چون اختیار ارمنه اینطرف در ظل عاطفت شاهنشاهی آسوده اند در کف کفایت ماست و محافظت از دین و ناموس آن‌ها بر ما لازم است لهذا بانعالیجاه مقرر میگردد که ارمنه اینحدود را موافق شریعت حضرت عیسی که در دست آنعالیجاه و الی حال به همان طریق رفتار میکرده اند نگاه داشته آن‌ها را از تصرفات ملت نصاری ممنوع دارد و اگر کسی را در دین و آئین آن‌ها سخن باشد می باید نزد آنعالیجاه آمده با آنعالیجاه و علمای ملت مسیح مباحثه نماید و جواب خود بشنود می باید در این باب به نحو معمول و مرتب دارد».^{۷۱} شاهان قاجار با توجه به قوانین داخلی ارمنه مقرر کرده بودند تا سلسله مراتب داخلی در زمینه تعیین بزرگ و کوچک، نجیب و غیر نجیب موقوف به تشخیص خلیفه

^{۶۶} دروویل، سفر در ایران، ص ۷۶.

^{۶۷} فوریه، سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری، ص ۴۳.

^{۶۸} سالتیکوف در سال ۱۸۳۸ از این مکان دیدن کرد و در سال ۳۰۳ پس از میلاد ساخته شد.

^{۶۹} کشمیش اف خروج نادر از کلیسا را اینگونه توصیف می‌کند: «رهبران مذهبی و کشیشان آنجا با لباس رسمی وارد کلیسا شدند و مورد استقبال قرار گرفتند. نادر وارد کلیسا شد و به برج وسط کلیسا که نزد مسیحیان مقدس است نگاه کرد و از رهبران مذهبی توضیح جزئیات آن را خواست. پس از آن سران مذکور به عبادت پرداختند و دعا کردند، نادر نیز با دقت گوش داد و پس از پایان عبادت، سیصد مشک طلا از جیب خود به کلیسا هدیه کرد و با کمال مهربانی و شفقت دیروز با روحانیت وداع کرد. او گفت که باید با ایمان کامل بمانید و به هیچ وجه نترسید، زیرا کلیسای شما مانند خانه من و تحت حمایت من است. شما حق ندارید به کسی آسیب برسانید و او در کلیسا حکمی نوشت که هیچکس حق ندارد به آن مکان نزدیک شود و ساکنان آنجا را مزاحمتی کند» (از کتاب کشمیش اف نسخه خطی کتابخانه ملی شماره ۱۶۲). - آبراهام کرتی «Abraham de Crete» کشیش معروف اوچ کلیسا آمدن نادر را به اوچ کلیسا و رفتاری که نسبت بکلیسا کرد و ۴۵۰ روبل بکلیسا و خلیفه داد بتفصیل شرح می‌دهد بکتاب «تاریخ من و نادر، پادشاه ایران» رجوع شود. (از سفرنامه سالتیکوف نسخه خطی کتابخانه ملی شماره ۱۷۳۲).

^{۷۰} ماتناداران، اسناد خطی مجموعه ماشتوس مقدس، پ ۱، ج ۱، ش ۸. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۱۹ق.

^{۷۱} ماتناداران، اسناد خطی مجموعه ماشتوس مقدس، پ ۱، ج ۱، ش ۶۸. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۳۶ق.

باشد و تعیین مراتب در میان ارامنه فقط بر عهده خلیفه اوج کلیسا باشد و تمامی ارامنه تابع این امر ملوکانه باشند. «عالیجاه خلیفه اپرم بداند که عریضه ارادت فریضه آنعالیجاه ملحوظ نظر بر رای مهر ضیاء ظاهر و هویدا گردید این که عرض کرده بود که فی ما بین ملت نصاری تعیین بزرگ و کوچک و نجیب و غیر نجیب موقوف به تشخیص و تعیین آنعالیجاه باشد و بزرگان و نجباء را فی مابین ملت مزبوره محترم شمارند محض مرحمت به آنعالیجاه استدعای آنعالیجاه را مقرون به بانجاح فرموده رقم مطاع لازم الاتباع بافتخار عالیجاه امیر الامراالعظام حسین خان سردار بیگریگی ایروان شرف صدور یافت که نجبای ملت مزبوره را موقوف به تشخیص و تعیین آنعالیجاه داند و قدغن لازمه نماید که هر که را آنعالیجاه محترم شمارد حرمت او را لازم شمارد».^{۷۲}

دراحوکام فرامین شاهان قاجار تقدم عنوان «اچمیادزین» بر این معبد مورد تأکید قرار گرفته و عنوان «اوج کلیسا» را عنوان آخری ذکرگردیده که بعدها به این معبد مقدس اطلاق گردیده است. در واقع عنوان «اچمیادزین» که در میان ارامنه رایج و متداول بوده است نیز مورد تأکید دولت قاجار بوده است و این نشان می دهد که عنوان اصلی معبد مقدس همان «اچمیادزین» است. «حکم والا شد آنکه خداوند دانا که بلندایوان خلافت را گاه به فر کوه مهراسای ذات مسیح مزین و گاه به فروغ تاج عرش فرسای صاحب معراج روشن داشته چون رواق خلافت آئین اوجاق کردون انطباق را که مورد فیوضات ابد و مدار شوکت موید سلطنت موبد است به نیابت و ولایت ما محکم نموده و احکام بهیة ما را تالی اوامر علیه پادشاهی لازالت نافذه در اقطار ممالک بسیطه نافذ و مسلم فرموده است با شکر این نعمت سانبع و منت سانبع ثبت علیا کرده ایم که چنانکه عنایات پادشاهی آفتاب وار جود فیاض و حمایت سانبع بر همکان شایع دارد ما نیز پرتو آن نور و جلوه ان ظهور و تجلی ان طوریم باشاعه فیض عام و اشاعه لطف تمام قریب و بعید وضع و شریف مسلم و ترسا را در حومه حمایت محذور آوریم در مسجد و کلیسا که مقصود از هر دو یکی است عابد و ترسا طریق دعا پویند و در پنهان و پیدا که نظر حق بین هر دو یکی است زاهد و راهب رسم ثنا چویند علی هذه المراتب رواج اوجاق و معبد ایجمیازین را که بعبارة اخری اوج کلیسا گویند و از دیرگاه مقصد طوایف ارامنه سکنه هفت اقلیم میباشد».^{۷۳}

^{۷۲} ماتناداران، اسناد خطی مجموعه ماشتوس مقدس، ج ۱، ش ۳۶. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۷ق.

^{۷۳} ماتناداران، اسناد خطی مجموعه ماشتوس مقدس، ج ۱، ش ۱۲. سند مورخ ربیع الاول ۱۲۲۵ق.

نتیجه گیری

در باب عنوان اوچ کلیسا یا اچمیادزین نظرات مختلفی وجود دارد. اوچ در ترکی به معنی سه است. اوچ کلیسا (سه کلیسا) نام مکانی است در دو فرسخی ایروان که سه کلیسا در کنار هم قرار دارند و از مکان های متبرکه ارامنه است. در برخی منابع «اچمیادزین» به دلیل آن که مفرکشیش بزرگ ارامنه بوده عنوان «ایچ میازین» اطلاق گردیده است. در منابعی دیگر با عنوان «اوچ میازین» معروف بوده و روایت است که در این کلیسا ثروت عظیمی از هرنوع انباشته شده است. دو دلیل دیگر برای نام گذاری اچمیادزین روایت شده است. یک روایت دینی است که اچمیادزین را به معنای «تنها فرزند نازل شده از آسمان» می داند. روایت دیگری که ریشه در اسطوره و افسانه دارد. دو کلیسای نزدیک اکس میازین، یکی سنت کتآن (Sainte caiane) و دیگر سنت رپسیم (Sainte repsime)، نام آنها از دو باکره رومی گرفته شده است که در جریان نهمین دور آزار و شکنجه مذهبی به ارمنستان گریختند. در سفرنامه ها نیز عناوین مانند «اوچ میازین»، «ایچ میازین» که به این دیر مقدس داده شده است. وجود سه دیر در نزدیکی هم به طوری که به فاصله ۱۳۰۰ متری شرق دیر دو کلیسا است که با کلیسای دیر از دور منظره ای بسیار زیبا را متصور می نمود باعث گردیده بود که ترک ها به «اچمیادزین» عنوان «اوچ کلیسا» را بگذارند. ارامنه آن را «اچمیازین» یعنی «یگانه پسر» نام نهادند. در احکام فرامین شاهان قاجار تقدم عنوان «اچمیادزین» بر این معبد مورد تاکید قرار گرفت و عنوان «اوچ کلیسا» عنوان آخری ذکر گردید که بعدها به این معبد مقدس اطلاق شد. کارکرد و نقش اچمیادزین در تنظیم روابط میان ارامنه و دولت قاجار به عنوان یک نقش پیوند دهنده و هماهنگ کننده بود. به طوری که این نقش و کارکرد اچمیادزین باعث گردیده بود که مردم ارمنی ساکن در قلمرو جغرافیایی دولت قاجار در کنار مردم مسلمان ایران در یک همزیستی با عقاید و آراء و مناسک متفاوت زندگی کنند. اچمیادزین به عنوان یک نهاد بزرگ دینی و اجتماعی، نقطه عطفی در نگاه شاهان قاجار نسبت به ارامنه در ایران بوجود آورد. اچمیادزین توانست با رویکردهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی خود، زمینه تعامل میان مسلمانان و ارامنه مسیحی و همچنین ارتقاء سطح زندگی اجتماعی آن ها را فراهم آورد. ساخت چندین کلیسا در نواحی مختلف، نبود اجبار برای تغییر مذهب و نیز حمایت کارگزاران قاجار از کلیسای جامع اچمیادزین، گواه روشنی از رویکرد و عمل گرایی دولت قاجار در تعامل با ارامنه بوده است.

- استرآبادی، محمد مهدی بن محمد نصیر. جهانگشای نادری. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۷۷.
- اعتمادی، بابک. گنج دانش. تهران: پیام عدالت، ۱۳۹۷ ش.
- اعرابی هاشمی، شکوه السادات. «نقش ارامنه در تجارت خارجی صفویه»، پیمان، سال چهارم، ش. ۱۱ و ۱۲، (بهار و تابستان ۱۳۷۹): ۲۵-۳۷.
- اورسول، ارنست. سفرنامه قفقاز و ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.
- آبراهام ایروانی، تاریخ جنگ‌ها (ایروان: بی‌نا، ۱۹۳۸)، نقل در هاکوب پاپازیان، ((همکاری نظامی ارمنیان و ایرانیان))، هور، س ۲، ش ۱۹ (دی ۱۳۵۱): ص ۳۹.
- پطروشفسکی، پیگلسکایا. تاریخ ایران. ترجمه کریم کشاورز. تهران، پیام، ۱۳۶۳ ش.
- پیرنیا، حسن. تاریخ ایران باستان. ج ۳. تهران: دنیای کتاب، ۱۳۷۵ ش.
- جملی کاری، جووانی فرانچسکو. سفرنامه کاری. ترجمه عباس نخجوانی و کارنگ عبدالعلی. تبریز: اداره کل فرهنگ و هنر آذربایجان شرقی، ۱۳۴۸ ش.
- جهانگیر، میرزا و عباس اقبال آشتیانی. تاریخ نو (شامل حوادث دوره قاجاریه) از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری. تهران: علم، ۱۳۸۴ ش.
- خاوری شیرازی، فضل الدین. تاریخ ذوالقرنین. ج ۱. تصحیح ناصر افشار. تهران: سازمان چاپ و انتشارات، ۱۳۸۰ ش.
- دانشنامه ارمنستان مسیحی. ایروان: نشر دانشنامه‌های ارمنی، ۲۰۰۲ م.
- در اوهانیان، هاروتون. تاریخ جلفای اصفهان. ترجمه لئون میناسیان و م.ع. موسوی فریدنی. اصفهان: زنده رود، ۱۳۷۹ ش.
- در یابل، گئورگ تکتاندرفون. ایترپرسیکوم گزارش سفارتی به دربار شاه عباس اول. ترجمه محمود تفضلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۱ ش.
- دروویل، گاسپار. سفر در ایران. تهران: شبوویز، ۱۳۷۰ ش.
- راوندی، مرتضی. تاریخ اجتماعی ایران. ج ۳. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۴ ش.
- رائین، اسماعیل. ایرانیان ارمنی. تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۶ ش.
- رضایی، عبدالعظیم. گنجینه تاریخ ایران. تهران: اطلس، ۱۳۷۸ ش.

سرکیسیان، نوریک. «سکونت مجدد ارمنیان ایران توسط حکومت روسیه در ۱۸۲۸م، اجمیادزین»، پیمان، سال بیست و دوم، ش. ۲، (۲۰۱۲): ص ۵۵-۶۹.
شاردن، ژان. سفرنامه شاردن، ج ۱ و ۵. تهران، توس، ۱۳۷۲ ش.
غازاریان، واژه نامه ارمنی کهن. ج ۱ و ۲. ایروان، ۲۰۰۰ م.
فراهانی، حسن. روز شمار تاریخ معاصر ایران، ج ۳. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی، ۱۳۸۵ ش.

فووریه، ژوانس. سه سال در دربار ایران از ۱۳۰۶-۱۳۰۹ قمری. تهران: نشر علم، ۱۳۸۵ ش.
کوتزبویه، موریس دو. مسافرت به ایران به معیت سفیر کبیر روسیه در سال ۱۸۱۷. تهران: امیر کبیر، ۱۳۴۸ ش.

ماتناداران (آرشیو اسناد مجموعه ماشتوس مقدس ارمنستان): پوشه ۱، شماره های ۱۲، ۸، ۳۶، ۶۸.

متسوپتسی، توما. تاریخنگاری، به کوشش لئون خاچیکیان. ایروان: نشر ماگاقات، ۱۹۹۹ م.
نوایی، عبدالحسین. اسناد و مکاتبات سیاسی ایران از سال ۱۱۰۵ تا ۱۱۳۵ ق، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ۱۳۶۳ ش.
نوری، محمدتقی بن محمد مهدی. اشرف التواریخ، تصحیح سوسن اصیلی. تهران: مرکز پژوهشی میراث مکتوب، ۱۳۸۶ ش.

هنوی، جونس. هجوم افغان و زوال دولت صفوی. ترجمه اسماعیل دولتشاهی. تهران: یزدان، ۱۳۶۷ ش.

هوسپیان، شاهن. «دیر تادئوس مقدس»، پیمان، سال دوازدهم. ش ۴۶. (زمستان ۱۳۸۷): ص ۵-۳۷.